

آسیب‌شناسی انگاره وجوب همگانی امر به معروف و نهی از منکر

عبدالحسین رضایی‌راد*

چکیده

«کنترل اجتماعی» و «نظارت اجتماعی» از ضرورت‌های هر جامعه برای حفظ انسجام جامعه و محافظت از هنجارهای اجتماعی است که در تعالیم دینی نیز تحت عنوان «امر به معروف» و «نهی از منکر» مورد پذیرش و تاکید قرار گرفته است و در فقه اسلامی به عنوان واجب کفایی مورد پذیرش بسیاری از محققان و عالمان قرار گرفته است؛ با این وجود، بسیاری از محققان کوشیده‌اند برخی از مراحل این دو فریضه را وظیفه‌ای همگانی مطرح کنند و عموم مردم را موظف به انجام آن نمایند.

این مقاله بدون ورود به ادله‌ی فقهی، می‌کوشد با نگاهی به شواهد تاریخی و تجربیات اجرای این دو فریضه، پیامدهای اجتماعی همگانی شدن آن‌ها را در سه عنوان زیر بررسی نماید:

۱. شیوع سطحی‌نگری و عوام‌زدگی ۲. بی‌نظمی و اختلال نظام ۳. محدود شدن دایره‌ی تاثیر.

کلیدواژه‌ها

امر به معروف، نهی از منکر، عوام‌زدگی، اختلال نظام.

مقدمه

«امر به معروف» و «نهی از منکر»، دو وظیفه عملی از وظایف عملی مسلمانان هستند و عبارتند از: نشان دادن عکس‌العمل در مقابل ترک وظایف دینی توسط سایر افراد به طوری که از ترک مجدداً آن وظایف جلوگیری شود و از آن جایی که این وظیفه به حوزه عمل مکلفین مرتبط است، در شمار فروع دین به حساب می‌آید (جابری‌زاده، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ص ۲۰۲). درباره این که این دو اصل، وظیفه عموم مردم یا گروهی خاص از جامعه است و ماهیت این وظیفه، سوای از شرایط استثنایی و غیرعادی، یک ماهیت فردی یا گروهی است، از دیرباز در آثار فقهی، منابع تفسیری و کتب کلامی، مورد توجه قرار گرفته است (به‌عنوان نمونه: ر.ک: نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱: صص ۳۸۳ و ۳۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰: ص ۹۳ و ۲۱۶؛ رشید رضا، ۱۴۱۲، ج ۴: ص ۳۴، اشعری، ۱۳۶۶، ج ۱: ص ۳۱۱ و ج ۲: ص ۱۲۵).

دلایل طرفین - هر چه که باشد - ما را از این مطلب بی‌نیاز نمی‌کند که در پیامدهای اجرایی شدن هر کدام از این دیدگاه‌ها نیاندیشیم؛ به‌ویژه، دیدگاه معروف امام خمینی ۱ مبنی بر تاثیر زمان و مکان در فقه (امام‌خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱: ص ۹۸) و این مطلبی است که ما آن را «مطالعه راهبردی علم فقه» می‌نامیم.

۱. بیان مسئله

این تحقیق درصدد پاسخ به این پرسش است که در صورت پذیرش نظریه عینی بودن وجوب امر به معروف و نهی از منکر و همگانی کردن این دو وظیفه، چه پیامدهای منفی در اجتماع قابل انتظار خواهد بود و محقق می‌کوشد تا با مطالعه تجربه‌های تاریخی اجرای این دو اصل در جوامع اسلامی و نیز با مددگیری از اصول مسلم سیاسی فرهنگی و اجتماعی، نتایج منفی همگانی شدن این دو فریضه در اجتماع را تحلیل نماید.

۲. پیامدهای همگانی کردن امر به معروف

همگانی کردن امر به معروف - صرف نظر از آن که به لحاظ فقهی چه حکمی دارد و مقتضای ادله نقلی چیست - با عنایت به تجربه‌های اجتماعی و تاریخی می‌تواند پیامدهای

مثبت و منفی بسیاری در پی داشته باشد که بی شک علاوه بر محققین علوم اجتماعی، برای فقهیان دردمند و متعهدی که علاوه بر بیان احکام و ادله آن‌ها به اجرا و تحقق اهداف احکام هم توجه دارند، نیز می‌تواند قابل توجه باشد تا با بررسی این پیامدها و علل آن‌ها به چاره‌اندیشی برای رفع آن‌ها اقدام نموده و حکم شرعی را به گونه‌ای بازنگری و تبیین کنند که این پیامدها را نداشته باشد.

درباره پیامدهای مثبت همگانی کردن این دو فریضه؛ تا اندازه‌ای سخن گفته شده و مواردی چون «سرعت تاثیر» و «تعمیم حس مسئولیت‌پذیری در جامعه» و «ضمانت اجرای مردمی برای قانون و ایجاد نوعی نظارت همگانی» به عنوان نتایج مطلوب و قابل انتظار در تعمیم این فریضه مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است (رضایی‌راد، ۱۳۸۶: ص ۵۷ و همو، ۱۳۸۷: ص ۹۳ به بعد)، اما درباره پیامدهای نامطلوب این دیدگاه، کاری تحقیقی ویژه‌ای انجام نشده است. براین اساس، بخشی از این پیامدهای نامطلوب در قالب سه عنوان زیر ذکر می‌شود:.

۱-۲. شیوع سطحی‌نگری و عوام‌زدگی

خطر عوام‌زدگی و سطحی‌نگری، از آفت‌های بزرگی است که صالحان و دردمندان امور اجتماعی از آن رنج کشیده و خطر آن را گوشزد کرده‌اند (مطهری، بی تا: ص ۲۲۹، ۳۵۹ و ۶۳۰؛ شریعتی، ۱۳۷۸: ص ۱۲۰؛ همو، ۱۳۹۰: ص ۱۲۳؛ امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۸: ص ۲۶۹؛ همان، ج ۱۹: ص ۴۳ و ج ۲۰: ص ۲۰). خطر عوام‌زدگی و شیوع سطحی‌نگری در اجرای این وظیفه نیز می‌تواند خود را نشان دهد و این اصل صحیح و متعالی را در اثر کج فهمی‌ها و برداشت‌های نادرست افراد ناآگاه، به وضعیتی درآورد که با هدف اصلی آن، مغایر یا در تضاد باشد؛ زیرا شناخت معروف و منکر و مصادیق آن‌ها و شیوه‌های درست اجرای آن، به آگاهی‌های عمیق، مهارت‌ها، ذوق و سلیقه‌های خاصی نیاز دارد (ر.ک. رشیدرضا، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ص ۳۸ - ۴۴؛ ابن‌اخوه، ۱۴۰۹ق: ص ۵۳؛ حاجی خلیفه، ۱۴۱۳ق: ص ۱۵-۱۶) که عموم مردم از آن برخوردار نیستند و ناآگاهی از آن‌ها می‌تواند از امر به معروف - که اصلی تعالی بخش و مترقی است - اصلی زیان‌بار و مشکل‌آفرین به وجود آورد.

۱-۱-۲. دلایل شیوع سطحی‌نگری

شیوع سطحی‌نگری در همگانی کردن امر به معروف می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) دشواری اجرای شرط تاثیر

در هیچ کدام از واجبات شرعی، شرط احتمال تأثیر مطرح نشده است و تنها در این وظیفه شرط شده است (مطهری، بی تا: ص ۷۲ و السیوری، ۱۳۶۵: ص ۳۵۷)؛ بر این اساس، چگونه ممکن است بدون آگاهی از شیوه‌های دقیق و تأثیرگذار و ویژگی‌های متفاوت افراد جامعه و جوامع مختلف در مورد احتمال تأثیر، قضاوت کرد و در نتیجه، در مورد وجوب یا عدم وجوب در هر موقعیتی نظر داد؟ یک فرد، به دلیل ناآگاهی از روش‌های تأثیرگذار نمی‌داند که امر به معروف او چه تأثیری خواهد گذاشت و آیا تأثیر معکوس نخواهد داشت؟ و در چنین شرایطی، وجوب و حرمت، هر دو محتمل است؛ زیرا اگر روش، تأثیرگذار است و تأثیر مثبت می‌گذارد، واجب و در صورت داشتن تأثیر معکوس، حرام خواهد بود.

ب) ضرورت ایجاد دگرگونی

در امر به معروف؛ حتی تأثیر هم کافی نیست، بلکه باید ایفای این وظیفه به گونه‌ای باشد که قلب‌ها دگرگون شود و به قول امام خمینی: «خدا مقلب القلوب است، ما هم باید مقلب القلوب باشیم» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۸: ص ۶۵ و ج ۱: ص ۱۶ - ۲۱) و به تأثیر رفتاری قناعت نکنیم (همایون، ۱۳۷۴: ص ۶۴ - ۶۵).

ج) نیازمندی به مهارت‌های متعدد

بر این اساس، به عهده گرفتن این کار پیچیده و دقیق از سوی عموم مردم - که افراد ناآگاه در میان آن‌ها بسیار است - می‌تواند به جای اصلاح جامعه و هدایت، نتیجه‌ای معکوس و منفی به بار آورد. چگونه می‌شود وظیفه‌ای را به مردم عادی سپرد که مهارت‌ها، دانش‌ها و حتی هنرهای بسیاری به عنوان پیش‌نیازهای آن توسط متفکران و محققین تبیین شده است. مهارت‌ها و دانش‌هایی که نه تنها از توان یک فرد عادی بیرون است، بلکه حتی

در تصور او نمی‌گنجد. اکثر محققانی که در زمینه‌ی امر به معروف و نهی از منکر و تألیف کردند، پذیرش این وظیفه را مشروط به برخورداری از مهارت‌های خاصی دانسته و هر کدام به یک یا چند مهارت از مهارت‌های زیر اشاره کرده‌اند:

۱. شناخت روش‌های تأثیرگذاری (همایون، ۱۳۷۴: ص ۵۹ - ۶۱؛ مطهری، بی‌تا: ص ۷۰)؛
 ۲. آگاهی از ریشه‌های مفاسد (مطهری، بی‌تا، ص ۷۰؛ سروش، ۱۳۷۳: ص ۲۷۷ - ۲۷۸)؛
 ۳. روان‌شناسی فاعلین منکر و تارکین معروف (همایون، ۱۳۷۴: ص ۵۹ - ۶۱؛ سروش، ۱۳۷۳: ص ۲۷۵)؛
 ۴. شناخت مصادیق معروف و منکر در شرایط زمانی و مکانی مختلف (شریعتی، ۱۳۷۸: صص ۵۲، ۵۵ و ۵۶؛ سروش، ۱۳۷۳: ص ۲۷۵)؛
 ۵. شناخت ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و سوابق تاریخی و علایق مطرح هر جامعه؛
 ۶. شیوه‌های مختلف مبارزه با منکر در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت؛
 ۷. ضرورت تفکیک منکرات ریشه‌ای از غیرریشه‌ای و اهم از مهم (سروش، ۱۳۷۳: ص ۲۷۶ - ۲۷۷ و مطهری، بی‌تا: ص ۷۰).
- روشن است که بیشتر افراد جامعه از مهارت‌های ذکر شده، برخوردار نیستند، با این وجود، چگونه می‌توان از وجوب همگانی این دو فریضه دفاع کرد.

۲-۱-۲. پیامدهای عدم آگاهی از مهارت‌ها

عدم برخورداری از این مهارت‌ها، می‌تواند این دو فریضه را از مسیر خود منحرف کند؛ زیرا ترک اهم و اشتغال به مهم، به فرمایش امام علی ۷ آفتی بزرگ است (فیض‌الاسلام، ۱۳۸۳ق، نامه ۶۳، بند ۲۲) و می‌تواند فرد را به جای تهاجم به منکرات، به حالت تدافعی گرفتار کند و در نتیجه؛ با بهره‌گیری از شیوه‌های نادرست و اکتفای ساده‌لوحانه به فردسازی از آثار شگرف و پنهان جامعه، سازمان و نظام بر افراد غفلت بوزد (شریعتی، ۱۳۷۸: ص ۵۶ و همایون، ۱۳۷۴: ص ۱۸۱) و در اثر ناآگاهی از تنوع سبک‌ها و سلیقه‌ها در جامعه، روش‌ها و برداشت‌های خود را [به‌مثابه] وحی نازل شده تلقی کنند و آن‌ها را به‌عنوان تنها مصداق معروف جامعه تحمیل کند و خود را مقیاس و معیار حق و باطل بداند و جز شیوه‌ی خود، شیوه‌ی دیگری را به رسمیت نشناسند (شهیدی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۷، ص ۲۰) و

در سایه این جهل مرکب «معروف را منکرتر از منکر بشمارد» و با تحمیل رأی خود بر جامعه و ایجاد نوعی دگماتیسم مذهبی، سبب نفرت جامعه از دین و نوعی نقض غرض را فراهم آورد.

۳-۱-۲. واکنش علما در مقابل خطر عوام‌زدگی

چه بسا بر اساس همین پیچیدگی‌ها و خطراتی که در امر به معروف برای هر کسی وجود دارد، بعضی از علما گفته‌اند: «این اصل، امروز عملی نیست و منحصر به زمان حضور معصوم و مشروط به نظارت ایشان است» (ر.ک: نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲: ص ۳۶۱ به بعد). و نیز: «وقتی آدم درباره منظره‌های هولناک و وحشیانه‌ای که در این اواخر به نام امر به معروف و نهی از منکر پیدا شده، فکر می‌کند، خدا را شکر می‌کند که چه خوب شد که این امر به معروف و نهی از منکرها از بین رفت. باید گفت؛ اگر امر به معروف و نهی از منکر این است، خوب است متروک بماند» (مطهری، بی تا: ص ۶۱).

داستان‌هایی مستند و حکایاتی تاریخی وجود دارد که از صدر اسلام تا کنون، هرگاه افراد ناآگاه و متعصب عهده‌دار این وظیفه خطیر گردیده‌اند. با وجود حُسن نیت خود، به خاطر ناآگاهی از ظرایف نهفته در این امر، فجایعی را به بار آورده‌اند که دل‌ها را به درد می‌آورد (همان: ص ۶۲ به بعد و شریعتی، ۱۳۷۸: ص ۶۹ به بعد). به اعتقاد برخی از محققان تاریخ فقه، گرایش علما به کفایتی شدن این فریضه و صرف نظر از نظریه‌ی وجوب عینی، متأثر از چنین فجایعی بوده است و بعید به نظر نمی‌رسد که محدودیت‌ها و شرایط بسیاری که - در منابع مختلف - برای اجرای این دو فریضه مقرر است، پیش از آن که برخواسته از ادله‌ی فقهی باشد، حاصل تجربیات تلخی است که از اجرای عوامانه‌ی این دو فریضه شاهد بوده‌اند (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ص ۲۰۵، مدخل «امر به معروف») یا محدودیت‌های فراوانی را برای آن وضع کرده‌اند (همان) و یا آن را به گروه خاصی اختصاص داده‌اند (الناصری، ۱۹۹۷م، ج ۳: ص ۱۹۷ و حاجی خلیفه، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ص ۱۶) و فقط علمای بزرگ (اعتماد السلطنه، ۱۳۰۶ق: ص ۱۱۹) را شایسته تصدی این وظیفه دانسته‌اند و مردم عادی را از دخالت در این امر باز داشته‌اند و یا شرط اجتهاد را در آمر به معروف مطرح کرده‌اند (ماوردی، ۱۴۰۶ق: ص ۲۴۱؛ ابویعلی، ۱۴۰۳ق: ص ۲۸۵؛ القاسمی، ۱۴۱۱ق: ص ۵۹۶؛ ابن‌اخوه، ۱۴۰۹ق: ص ۸۵؛ شیرازی، ۱۳۶۵ق: ص ۶؛ نویری، بی تا، ج ۶: ص ۲۹۱ و قلقشندی، بی تا، ج ۳: صص ۲۰۹ - ۲۱۵) و از آن‌جا که

اجتهاد شرعی، سهل الوصول نبوده و احتمال تعطیلی این اصل را در اثر کمبود مجتهد جامع الشرایط می‌داده‌اند، برخی دیگر از فقها به جای اجتهاد شرعی، اجتهاد عرفی را شرط کرده‌اند (ابن‌اخوه، ۱۴۰۹ق: ص ۵۳) و نیز شاید به همین سبب در جمهوری اسلامی تا بیش از سی سال از انقلاب اسلامی، قانونی که مجوز اجرای عملی امر به معروف را به مردم عادی دهد، تنظیم نشده و در سال ۱۳۹۴ که بعد از چالش‌های فراوان چنین قانونی به تصویب می‌رسد، در دستورالعمل ستاد اجرای امر به معروف به‌عنوان اولویت آخر از شش اولویت مطرح می‌شود (دستورالعمل اجرایی قانون حمایت از آمران به معروف مصوب ستاد اجرایی امر به معروف، ۱۳۹۴ش) و شناخت مصادیق منکر و معروف و آموزش آن‌ها در اولویت‌های بیشتری قرار می‌گیرند و عاقبت از بیم آن که با نگرشی سطحی، منکر فقط در یک چیز (بی‌حجابی) خلاصه شود و دروغ، تهمت، رشوه‌خواری و بورسیه‌تقلبی منکر به حساب نیاید، رییس‌جمهور طی نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب، تقاضای توقف اجرای آن را می‌کند (نوبخت، ۱۳۹۶/۲/۱۵، کد خبر ۴۶۰۷۹۸).

۲-۲. بی‌نظمی و اختلال نظام

در فقه اسلامی، حفظ نظام اجتماعی از اوجب واجبات است. هر عملی که منجر به اختلال نظام شود، شرعاً حرام است؛ حتی اگر حکم مسلم شرع باشد (باقی‌زاده، ۱۳۹۳: ص ۱۷۰-۲۰۰) و امر به معروف و نهی از منکر نیز از این مطلب مستثنا نیست و با همه اهمیتی که دارد نمی‌تواند مجوزی برای اختلال نظام جامعه باشد؛ زیرا اختلال نظام و هرج و مرج، خود از آنکس منکرات است و اگر به بهانه امر به معروف و نهی از منکر، عملی انجام شود که نظام را مختل کند، امر به معروف به امر به منکر تبدیل می‌شود و به جای واجب، حکم حرمت خواهد داشت.

خطر اختلال نظام در اجرای همگانی امر به معروف و نهی از منکر به صورت‌های مختلفی می‌تواند خودنمایی کند که در ادامه به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۲-۲-۱. خطر درگیری فیزیکی

امر به معروف، تنها یک وظیفه‌ی شفاهی نیست و اثربخشی این اصل در جامعه وابسته به

گسترش آن تا مرحله عملی است و لذا در روایات، کسانی که به سخن اکتفا می‌کنند، مورد انتقاد قرار گرفته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰: ص ۸۹).

از سوی دیگر، امر و نهی حکام هم یکی از بخش‌های مهم این وظیفه است (ری‌شهری، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ص ۲۶۲، حدیث ۱۲۴۱۹) و به هیچ‌عنوان، این وظیفه در رابطه افراد با همدیگر محدود نگردیده است، بلکه در صورت وقوع منکری از حکام یا حدوث ظلم و بدعت و طغیان، برداشت سلاح برای مبارزه با آن هم واجب است (ابن‌میمون، ۱۴۰۷ق، ص ۶۶؛ تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ص ۱۷۴ و منتظری، بی‌تا، ج ۱: ص ۵۹۳ به بعد) و فقها حق شورش علیه حاکم غیر عادل را با استناد به اصل امر به معروف و احادیثی از قبیل: «الاطاعة لمخلوق فی معصیه الخالق» برای مکلفین ثابت و مسلم می‌دانند (میرعلی، ۱۳۹۲: ص ۱۷۵-۱۹۵؛ الحلی، ۱۳۸۶ق: ص ۶۲۷ و ابن‌البراج، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ص ۴۶۷) و حتی برخی از محققان با تلویح، حق نهی از منکر را حقی فرا قانونی و از حقوقی دانسته‌اند که حاکم نمی‌تواند آن را از شهروندان سلب کند یا برای آن حد و مرز تعیین کند (سروش، ۱۳۷۳: ص ۲۶۹). برخی دیگر، حتی تصدی آن را نیازمند اذن از سوی کسی ندانسته و گفته‌اند اذن عمل به امر به معروف را خدا به آن‌ها داده است؛ زیرا آن‌ها به تعبیر آیات و روایات (سوره فاطر: ۳۹، سوره نور: ۵۵ و ری‌شهری، ۱۴۰۴ق، حدیث ۱۲۳۸۶)؛ جانشین خدا در زمین هستند (Shafaat, 2004: p.5.6).

چنین اظهارنظرها و نگرش‌هایی به مسئله امر به معروف؛ حتی اگر مسلم و موافق موازین فقهی و حقوقی باشد، از اصل امر به معروف، اصلی فراقانونی و بسیار گسترده و غیرقابل کنترل و ضابطه‌ناپذیر می‌سازد که بر اساس آن بتوان هر قانونی را زیر پا گذاشت و به خاطر حفظ پاره‌ای از ارزش‌ها، نظم اجتماع را که اعراف معروف‌ها و اشرف ارزش‌هاست، بر هم زد و اگر چنین شود، حفظ نظم و امنیت که اصدق مصادیق معروف است (ر.ک: باقی‌زاده، ۱۳۹۳: ص ۱۶۹-۲۰۰)، به وسیله امر به معروف قربانی می‌شود و با چنین برداشتی، دست حاکم برای حفظ امنیت بسته شده و نفوذ و قاطعیت احکامش کاهش می‌یابد؛ زیرا بسیاری از تصمیمات حاکمان که برای حفظ امنیت و آرامش جامعه گرفته می‌شود، ممکن است از جهاتی با حکمی از احکام شرعی در تضاد باشد یا به تعطیلی موقت سنتی از سنت‌ها بیانجامد که البته حاکم اسلامی چنین حقی را دارد که از باب قاعده: «الاهم فالاهم» برای حفظ مصلحت و امنیت جامعه - که از هر چیزی مهم‌تر است -

دست به چنین اقداماتی بزند، ولی با چنان برداشتی از نهی از منکر این فریضه اسلامی برای حاکمی که درصدد تأمین امنیت کشور است، ایجاد مانع می‌کند و توجیهی برای سرپیچی از قوانین می‌گردد (Ulrike, 2005: p.4) و بی‌نظمی و اغتشاش و هرج و مرج را تئوریزه می‌کند و جامعه را مدام، در معرض حوادث و شورش‌ها قرار می‌دهد؛ چنین جامعه‌ای هیچ‌گاه روی آسایش و ثبات را نخواهد دید و در نتیجه، از آرامش و سعادت و پیشرفت علمی و فرهنگی بویی نخواهد برد؛ به خصوص اگر در این میان، افرادی باشند که با سوءاستفاده از این اصل، برای تأمین اغراض سیاسی یا مادی خود دست به اعمالی بزنند و جنایت‌ها و سرقت‌ها و آشوب‌طلبی‌های خود را به نام امر به معروف بر جامعه تحمیل کنند (مطهری، ۱۳۴۸، ج ۲: ص ۴۹، ۷۳۴ و ۷۶۶) و غالباً اثبات جرم‌هایی از این قبیل و مشخص کردن این که آیا به راستی منکری رخ داده یا معروفی ترک شده، یا این که امر به معروف بهانه‌ای برای آشوب بوده است، بسیار دشوار است و بیشتر چنین پرونده‌هایی در هاله‌ای از ابهام باقی مانده و مشمول گذر زمان می‌شوند.

۲-۲-۲. زمینه‌سازی سوءاستفاده مغرضین

علاوه بر پیامدهایی که برای همگانی کردن امر به معروف بیان شد، احتمال سوءاستفاده‌ی مغرضین از فضای عوامانه‌ی جامعه نیز می‌تواند آفت مهمی باشد و مسئله را خطرناک‌تر جلوه‌گر سازد؛ به‌ویژه با توجه به این که بسیاری از فقها پای‌بندی آمر و ناهی را به امر و نهی خود و به دستورات شرعی شرط ندانسته‌اند و فاسقین را هم موظف و مجاز به تصدی این فریضه مهم معرفی کرده‌اند (الغزالی، ۱۳۵۲ق، ج ۲: صص ۳۴۰ - ۳۴۲؛ القرطبی، ۱۳۷۳ق، ج ۶: ص ۲۵۳؛ رشید رضا، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ص ۳۰؛ الجزائری، ۱۱۷۰ق: ص ۲۰۱ و ماوردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ص ۳۴۰ - ۳۴۲). چنین فتوایی می‌تواند پای افراد بی‌تقوا و مغرض به دو فریضه‌ی الهی را باز کند زمینه‌ی غرض‌ورزی و سوءاستفاده‌های مختلف را باز کند.

۲-۲-۳. واکنش حقوق موضوعه ایران و مشکل اختلال نظام

در جمهوری اسلامی ایران، در قوانین کشوری، امر به معروف به‌عنوان یکی از عوامل مؤجّه نمودن جرم تصویب می‌شود (ر.ک. بند ۳ ماده ۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱)، اما

پس از مدت کوتاهی، این قانون حذف می‌شود (در قانون مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بند ۳ حذف گردیده است) و با وجود آن که پس از ده‌ها سال قانون حمایت از آمران به معروف و به‌عنوان اولین قانون برای اجرای امر به معروف، پس از چالش‌های فراوان در مجلس و دولت به تصویب می‌رسد، به دلیل احتمال بروز هرج و مرج و اصطکاک، رئیس‌جمهور از رهبر معظم انقلاب، تقاضای توقف اجرای آن را می‌کنند (نویخت، ۱۵/۲/۱۳۹۶ ش، کد خبر ۴۶۰۷۹۸، خبرگزاری مشرق نیوز). این گونه اتفاقات، می‌تواند گواهی بر آن باشد که امر به معروف می‌تواند بهانه‌ای برای فرصت‌طلبان باشد و این که نمی‌توان از آن به‌عنوان اصلی فراقانونی دفاع کرد و به آمران و ناهیان اجازه داد که به‌خاطر نهی از منکر دست به کارهای غیرقانونی بزنند.

در جمهوری اسلامی ایران بارها به نام امر به معروف، اعمال بسیار ناشایستی؛ چون: اسید پاشی به زنان بدحجاب و قتل‌های زنجیره‌ای و مانند آن‌ها اتفاق می‌افتد (سایت خبری دی‌گربان، ۲۰۱۴م) و بعد از سال‌ها از گذشت آن و تاکید رییس‌جمهور به تسریع در یافتن عاملان آن (سایت خبری ایرنا، ۱۳۹۳)، این گونه پرونده‌ها به نتیجه‌ای نمی‌رسد و این م‌طلب، نشان‌دهنده آن است که حتی در نظام‌های برحق نیز احتمال بروز ناامنی و هرج و مرج در همگانی کردن امر به معروف قابل وقوع است و برخلاف تصور بعضی که به‌طور ضمنی نظام اسلامی را از این آفت مستثنی می‌دانند (خیری، ۱۳۹۴: ص ۲۵۱)، این مطلب ارتباطی با نوع حاکمیت ندارد و به ذات این نظریه و همگانی کردن این وظیفه و هر پدیده‌ی اجتماعی که با مردم عادی مرتبط است، باز می‌گردد؛ زیرا یک نظریه علمی که تنها مورد استفاده‌ی محققان است، هیچ‌وقت دچار عوام‌زدگی نمی‌گردد و اما نظریه‌ای که مصرف همگانی پیدا می‌کند، به‌طور طبیعی در معرض خطر کج‌فهمی و عوام‌زدگی قرار می‌گیرد.

رهبری معظم انقلاب اسلامی نیز بارها از دست‌زدن به اعمال غیرقانونی و دخالت در کار نهادهای قانونی به بهانه امر به معروف نهی کرده‌اند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم تنفیذ حکم رئیس‌جمهوری وقت، ۱۳۸۰) و این مطلب، نشان‌دهنده وقوع چنین خطری یا محتمل بودن آن از نظر ایشان است.

۲-۲-۴. سوءاستفاده حاکمان ناهل

علاوه بر آن که همگانی کردن امر به معروف، می تواند زمینه ساز سوءاستفاده مغرضان و ایجاد اختلال در نظام جامعه باشد و در کار حاکمان صالح که برای حفظ امنیت می کوشند، مانع ایجاد کند و اگر آمران به معروف بر حق بوده و به راستی به خاطر وقوع منکر یا ترک معروفی دست به اعمالی زده باشند که موجب بروز اختلاف و نزاعی شده باشد، حاکمان ناهل می توانند آنان را به بهانه اغتشاش و ایجاد بی نظمی یا با تنظیم شکایتی صوری از جانب فاعلین منکر به بند کشانده و به مجازات برسانند؛ زیرا اثبات وقوع منکر از طرق رسمی بسیار دشوار است، اما اثبات اقدام به ایجاد نزاع و درگیری بسیار آسان؛ چه بسیار مواردی که حاکمان ناهل برای سرکوب کردن یک جریان و نهضت مردمی افرادی را اجیر می کنند تا با همان شعارها و سخن ها به ایجاد ناامنی پردازند و پس از آن، به بهانه جلوگیری از بی نظمی و اغتشاش با وانمود کردن این خراب کاران به جای انقلابیون، نهضت مردمی را سرکوب کرده و بر منکرات حکومت سرپوش می گذارند. مشابه همان چیزی که در ایام انقلاب در ایران توسط شاه مخلوع اتفاق افتاد و شاید بر همین اساس بود که امام خمینی، تظاهرکنندگان را از شکستن شیشه های مؤسسات دولتی که پیش از آن مرسوم شده بود، منع می کردند و تقاضاهای همکاری ایشان با گروه های مسلح را رد می کردند و مبارزه مسلحانه با رژیم شاه را مجاز نمی دانستند و تنها به مبارزه فرهنگی و مسالمت آمیز می پرداختند و تا آخرین روزهای قبل از پیروزی و در حالی که رژیم شاه، حکومت نظامی اعلام کرده بود و هرگونه تجمع بیش از سه نفر را سرکوب می کرد، اجازه مبارزه مسلحانه صادر نمی فرمودند و فقط با اکتفا به مبارزه فرهنگی و سیاسی انقلاب را به پیروزی رساندند.

امام علی 7 مسلمین را از برخورد فیزیکی با مخالفان منع می کردند. روزی، یکی از اصحاب امام علی 7 در جواب کسانی که ادعای: «سئلونی قبل ان تفقدونی» امام علی را باور نمی کردند و اتهام جهالت به آن حضرت می زدند، می خواستند آن ها را آذوب کنند، ولی حضرت در پاسخ فرمود: «رهایشان کنید و شتاب نکنید باعجله و خشونت، حجت خدا قائم نمی شود و براهین خدا آشکار نمی گردد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰: ص ۱۲۶). درگیرهای شدید و خونین میان آمران به معروف و حکام از سویی و میان مردم و آمران به معروف از

سوی دیگر - که در ادامه به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود؛ صرف نظر از این که حق با کدام یک از طرفین بوده است - می‌تواند بهترین گواه از وجود آفت بی‌نظمی و هرج و مرج در همگانی کردن امر به معروف باشد و از تعارضات مشکل‌آفرینی که در اجرای همگانی و بی‌مهاری فریضه وجود دارد، حکایت کند:

۱. درگیری میان آمران به معروف و اعاجم در بغداد در سال ۵۳۷ ق که در آنجا قایق‌هایی که شراب حمل می‌کردند، در نزدیکی مدرسه‌ای از مدارس طلاب در بغداد پهلو گرفتند و طلاب فقه نسبت به این مسئله موضع‌گیری کردند، اما اعاجم آن‌ها را کتک زدند و به این شکل درگیری آغاز شد (ابن جوزی، ۱۳۵۸ق، ج ۱۸: ص ۲۶)؛
۲. به دارکشیدن یحیی بن ذکریای محتسب توسط منصور عباسی سال ۱۵۷ (البغدادی، بی تا، ج ۱: ص ۷۹)؛

۳. کشته شدن احمد بن طیب سرخسی - محتسب بغداد - به دست معتضد عباسی در سال ۲۸۳ یا ۲۸۶ ق (مسعودی، ۱۳۶۵ق، ج ۴: ص ۲۳۲) و موارد بسیار دیگر^۱. کسی که رویدادهای دهه هفتاد و هشتاد را در دانشگاه‌های این کشور بررسی نماید، درمی‌یابد که گروه‌های امر به معروف با زور در صدد جلوگیری از منکرات بوده‌اند؛ حتی در شهر «اسیوط» کار به جایی می‌رسد که از زن و مردی که با هم راه می‌رفتند، می‌خواستند که محرم بودن خود را ثابت کنند و اگر نمی‌توانستند ثابت کنند، ممکن بود مورد ضرب و شتم هم قرار بگیرند. در ضمن، گروهی نیز که به آن‌ها «خواهران» می‌گفتند، تلاش داشتند دانشجویان دختر و استادان زن دانشگاه را به پوشش اسلامی ترغیب نمایند و در صورتی که ارشادها و راهنمایی‌های آن‌ها راه به جایی نمی‌برد، سرزنش و اهانت وسیله‌ای بود که مورد استفاده قرار می‌گرفت. اعضای گروه‌های اسلامی در آن دوره بارها به برهم زدن جشن‌های دانشگاهی اقدام کردند؛ زیرا معتقد بودند که در این مراسم اختلاط دختران و پسران و کارهای منکر صورت می‌پذیرد... شهرهای دانشگاهی در آن زمان صحنه درگیری‌های دانشجویی میان جریان‌های گوناگون فکری و دانشجویان اسلام‌گرا

۱. برای اطلاع بیشتر می‌توان به کتاب آقای احمد عزالدین البیابونی مراجعه کرد که ایشان افرادی را که در راه امر به معروف به شهادت رسیده‌اند، شناسایی کرده و از سیره آنها به عنوان مُثُلِ اعلای این فریضه یاد کرده است (البیابونی، ۱۴۰۵ق: ص ۲۷).

بود و عامل این درگیری‌ها مسایلی بود که به اعتقاد اسلام گرایان منکر به شمار می‌آید و از این رو با استفاده از زور درصدد برمی‌آمدند [تا] جلوی آن را بگیرند. اعضای گروه‌های اسلامی در آن دوره به برخی از ویدئو کلپ‌ها حمله کردند و آن‌ها را به آتش کشیدند و این حملات سروصدای زیادی به راه انداخت و دستگاه‌های دولتی را به واکنش وادار کرد» (باهر، ۱۳۷۰، ش ۲۵: ص ۳۶).

۳. چاره‌جویی علما برای مشکل اختلال نظام

بسیاری از علمای اسلامی به خطر وقوع اختلال نظام در اجرای امر به معروف پی برده‌اند و کوشیده‌اند با بیان شروط و قیودی به احکام این فریضه، از این آفت مهم پیش‌گیری کنند. به همین منظور، بعضی از علمای شیعه، و جواب امر به معروف را مشروط به إذن حاکم شرع دانسته‌اند (ر.ک: زمخشری، بی تا، ج ۱: ص ۳۹۸ و نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱: ص ۳۷۹ به بعد). برخی دیگر، مرحله عملی و یدی آن را به إذن حاکم شرع مشروط کرده‌اند (همان) و این جا است که می‌توان فهمید، کنایه‌ای که بعضی از علمای اهل سنت به شیعه به خاطر این مسئله زده‌اند و آن را ادعایی بی‌اساس و خلاف عمومیت این وظیفه دانسته‌اند، (الغزالی، ۱۳۵۲ق: ص ۱۹)، چرا صحت ندارد؛ زیرا مستند و دلیل علمایی که مرحله یدی امر به معروف توسط عموم مردم را جایز ندانسته‌اند، این بوده که هر ج و مرج و فساد نظام پیش نیاید (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱: ص ۳۸۳) و این چیزی است که توسط خود مستشکلین هم در آثار دیگرشان مورد قبول قرار گرفته (ر.ک: الغزالی، بی تا: ص ۳۹۰-۳۹۳) و هم توسط برخی دیگر از علمای اهل سنت تأیید شده است (ر.ک: الناصری، ۱۹۹۷م، ج ۳: ص ۹۷) و گرنه، در صورتی که احتمال هر ج و مرج و اختلال نظام مطرح نباشد و امر به معروف و نهی از منکر بدون کار عملی و دخالت فیزیکی نتیجه‌بخش نباشد، بسیاری از علمای شیعه هم به جواز استفاده از مرحله یدی و ضرب و جرح اعتقاد دارند و کسانی که این وظیفه را تنها - و در همه شرایط - یک وظیفه بیانی و زبانی بدانند، بسیار اندک‌اند (ر.ک: زمخشری، بی تا، ج ۱: ص ۳۹۸ و طوسی، ۱۴۰۰ق: ص ۳۹۸)؛ زیرا این عقیده برخلاف نصوص صریح و قاطعی است که امر به معروف را در همه مراحل مطرح می‌کند و گشادگی زبان را بدون گشادگی دست نمی‌پذیرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۱۹: ص ۳۰۵ و حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ص ۴۰۴، ۱۰۹ و ۴۰۳).

از بررسی نظریه‌های فقهی، مشخص می‌شود که بیشتر علمای شیعه و سنی به احتمال خطر بی‌نظمی و هرج‌ومرج در اجرای انفرادی این وظیفه معترفند و هر کدام به شکلی در صدد رفع این معضل برآمده‌اند، ولی اصل سخن همه آن‌ها یکی است (رشیدرضا، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ص ۲۴) و نیز مراجعه شود (Ulrike, 2005: p.3-4). یکی برای رفع مشکل بی‌نظمی، اصل وجوب آن را انکار می‌کند (ر.ک: نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱: ص ۳۸۳؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۱ق: ص ۵۵۹ - ۵۶۰؛ حسینی، ۱۳۸۶: ص ۲۱۷؛ مفید، ۱۴۰۱ق: ص ۵۶ و طوسی، ۱۴۰۰ق: ص ۱۵۰) و دیگری، مرحله یدی آن را به اذن معصوم یا سلطان عادل مشروط می‌سازد (ر.ک: ابن‌بطه، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۵۴۱؛ سجستانی، بی‌تا، ص ۲۷۸ و لمبتون، ۱۳۸۰: ص ۷۵) و سومی، با ایجاد محدودیت‌های بسیار در حکم امر به معروف، در صدد دفع آفات و عوارض ناشی از تعمیم آن برمی‌آید (همان) و یا به رفع وجوب این حکم در زمان حاضر می‌گراید (مفید، ۱۴۰۱ق: ص ۵۶؛ طوسی، ۱۴۰۰ق: ص ۱۵؛ حسینی، ۱۳۸۶: ص ۲۱۷؛ قاضی، ۱۳۸۴ق: ص ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۴۸ و ۷۴۱؛ الجوینی، ۱۳۶۹ق: ص ۳۶۸).

۴. محدودشدن دایره تأثیر

امر به معروف، وظیفه‌ای صرفاً تعبدی نیست تا ادای آن حتی در صورت عدم تأثیر مُسْقِط تکلیف باشد، بلکه تکلیفی است که ملاک تحقق یا عدم تحقق‌اش، اقامه معروفات و ازاله منکرات است (مفید، ۱۴۰۱ق: ص ۸۰۹) و تا زمانی که معروفی در حال وقوع باشد، این تکلیف به عهده همه مکلفین باقی است و اگر چنین نباشد، آن توصیفاتی که از این اصل در روایات آمده است، مصداق نمی‌یابد و دیگر امر به معروف نمی‌تواند فریضه‌ای باشد که با آن، فرائض دیگر اقامه می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ص ۳۹۵ و ۴۰۳ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ص ۷۹) و نمی‌تواند قطب دین (ر.ک: الغزالی، ۱۳۵۲ق، ج ۲: ص ۴۴۳) و قوام شریعت (ر.ک: ری شهری، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ص ۲۵۵، ح ۱۲۳۸۸) باشد.

همگانی کردن امر به معروف؛ اگر با سازمان‌دهی و هدف‌مندی و رهبری و نظارت همراه نباشد و فقط به صورت یک وظیفه‌ی شخصی اجرا شود و هر فردی مستقل از دیگران به اجرای آن اقدام کند، هرگز نخواهد توانست در ابعاد وسیعی تأثیرگذار باشد و اهداف بلند این وظیفه‌ی الهی را تحقق کند؛ زیرا مبارزه با منکرات پیچیده و سازمان‌یافته و اقامه‌ی

معروفات مهم و بنیادی مسئله‌ای نیست که افراد عادی بتوانند به تنهایی برای آن چاره‌جویی کنند و این مطلب به دلایل بسیاری قابل اثبات است.

۱-۴. نیازمندی به إذن در مرحله غیرزبانی

با توجه به محدودیت‌هایی که اکثر فقها برای این اصل ذکر کرده‌اند و با توجه به این که تجسس را برای ادای این وظیفه ممنوع دانسته (الغزالی، بی‌تا: ص ۲۳۴؛ همو، ۱۳۵۲ق، ج ۲: ص ۲۸۶؛ امام‌خمینی، ۱۳۶۱: ص ۴۸۰) و دست‌بردن به سلاح و اقدام عملی را برای افراد عادی و بدون إذن معصوم (ر.ک: نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱: ص ۳۵۹؛ زمخشری، بی‌تا، ج ۱: ص ۳۹۸) یا حاکم اسلامی (همان) جایز ندانسته‌اند و اقدام به این عمل را فقط برای کسانی جایز دانسته‌اند که عالم، آگاه، مدیر، مدبر و دارای هیئت (ر.ک: حاج‌حسین، ۱۳۵۸ق: ص ۲۴۴ و الناصری، ۱۹۹۷م، ج ۳: ص ۲۶) و مقبولیت (زیدان، ۱۳۳۳: ص ۱۹۴، حاج‌حسین، ۱۳۵۸ق: ص ۲۴۴ و حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ص ۱۲۶، باب ۲ از ابواب امر و نهی، ح ۱): «انما هو علی القوی المطاع» و فقاہت (ماوردی، ۱۴۰۶ق: ص ۲۴۱ و ابویعلی، ۱۴۰۶ق: ص ۲۸۵) و حتی تمکن مالی (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۱۸ق: ص ۲۲۵) باشند و به‌خصوص به‌خاطر آن که وظیفه افراد معمولی فقط بُعد بیانی و زبانی آن دانسته شده است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱: ص ۳۶۷ - ۳۷۷) بدون این که مجاز به گرفتن دستیار و همکار باشند (ابن‌اخوه، ۱۴۰۹ق: ص ۵۵ - ۵۶ و ماوردی، ۱۴۰۶ق: ص ۳۹۱ - ۳۹۲). همگانی کردن وظیفه‌ی امر به‌معروف در کنار پذیرفتن چنین شرایطی به‌خصوص در صورت مقید دانستن مرحله‌ی یدی و عملی امر به‌معروف به زمان حضور معصوم یا اذن حاکم می‌تواند در عمل به تشریفاتی‌شدن این دو فریضه بیانجامد و آن‌ها را در مرتبه تذکرات شفاهی به متجاهران ساده تنزل دهد و چنین امر به‌معروف و نهی از منکری بی‌شک در دفع و رفع منکرات پیچیده و سازمان‌یافته توقیفی به‌دست نخواهد آورد و در سطحی عوامانه باقی خواهد ماند و این مطلب با آنچه در روایات و منابع دینی درباره‌ی اهداف و فلسفه‌ی تشریح آن و فواید اجرایش آمده است، فرسنگ‌ها فاصله دارد.

چنین امر به‌معروفی به‌جای درمان دردهای جامعه و رفع مشکلاتی که ریشه‌های آن از

چندین قرن است، «خروارها پند و نصیحت» (مطهری، بی تا: ص ۶۵-۶۹) به ارمغان می آورد، از قدیم گفته اند: «یک جو درمان، بهتر از خروارها پند و نصیحت است» (همان) و «اگر عمل نیست، بهتر است زبان هم بسته باشد» (همان).

۲-۴. دشواری ریشه‌یابی مفاسد

«بزرگ‌ترین منکر، فردی کردن منکر است» (شریعتی، ۱۳۷۸: ص ۵۶)؛ زیرا نتیجه‌اش، دور کردن ذهن خود و جامعه از ریشه‌های اصلی تخلفات و گناه جامعه و حکام و گذشتگان را به عهده افراد خاطی انداختن و تبریئه مقصران اصلی را به همراه خواهد داشت. همگانی کردن مبارزه با منکر که نتیجه‌اش شخصی دانستن آن است، مبارزه با مجرم را جانشین مبارزه با جرم کردن است و از امر به معروف که اصلی تربیتی و پیشگیرانه است (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق: ص ۱۴۷؛ تقی‌پور، ۱۳۹۱: ص ۶۱-۶۵ و ص ۱۰۵-۱۰۶)، اصلی قضایی با ماهیتی دفاعی و مُسکِّن‌وار خواهد ساخت.

آیا امر به معروف، برای مبارزه با مرتکبین گناه و نابود کردن آن‌ها وضع شده یا برای ارشاد و اصلاح آنان است؟ اگر اصل امر به معروف، برای اصلاح و هدایت جامعه و تهذیب روح انسان‌ها نبود، چرا در روایات گفته شده: امر به معروف، هدف تمامی ادیان است؟ (ر.ک: النوری الطبرسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۳۵۹) و آیا هدف ادیان، نابودی گنهکاران و خاطیان یا احیاء و اصلاح آنان است؟

وقتی خداوند تعالی از امتی امر به معروف را می‌خواهد، تنها به معنای تقاضایی از افراد نیست، بلکه مقصود آن است که آن‌ها جامعه‌ای بسازند که در آن جامعه، امر به معروف امکان‌پذیر باشد (سروش، ۱۳۷۳: ص ۲۶۷) و لذا امر به معروف فردی، قبل از این که سازوکارهای لازم در جامعه برای آن فراهم شده باشد، بی‌نتیجه و محکوم به شکست است (همایون، ۱۳۷۴: ص ۱۸۱ و امام‌خمینی ۱۳۷۹، ج ۱: ص ۴۶۴، مسئله ۳-۷).

اگر در جامعه، زمینه‌های روانی، اقتصادی، سیاسی نظامی و... برای اقامه معروف و از بین بردن منکر فراهم نباشد، نه تنها امر به معروف کاری از پیش نمی‌برد، بلکه هیچ تعلیم و تربیت و تبلیغی اثر نمی‌بخشد؛ حتی کلام معجزه‌آمیز قرآن هم مؤثر نمی‌افتد. مگر نه این

است که قرآن هدایت‌گر متقین است (سوره بقره: ۲) و هدایت فاسقین را تضمین نکرده است (ر.ک: سوره مائده: ۱۰۸؛ سوره توبه: ۸۰؛ سوره صف: ۵ و سوره منافقون: ۶) و برای ظالمان، جز گمراهی و خسارت، ارمغانی ندارد (سوره اسراء: ۴۱ و ۸۲).

مقید شدن تاثیر قرآن به نبودن ظلم و محروم ماندن ظالمان از آثار هدایت‌های الهی که در آیات فوق اشاره شده، می‌تواند معطوف به این معنا باشد که قبل از هرگونه اقدام برای امر به معروف و نهی از منکر، باید زمینه‌های ظلم، فساد و فسق را از جامعه برچید و تا در جامعه‌ای فاسق پرورش یابد و یا ظلم‌پذیر باشند، نباید انتظار اثربخشی از امر به معروف را داشت؛ حتی اگر آمر و ناهی، خداوند تعالی و سخن، وحی الهی باشد؛ گرچه لزوم ایجاد زمینه‌های مبانی برای اقامه‌ی امر به معروف و نهی از منکر مانع از اجرای آن در بُعد فردی نیست و دلیل شرعی روشنی نمی‌توان برای آن ارائه داد، اما به لحاظ راهبردی و مطالعه آسیب‌شناسانه در بُعد اجتماعی می‌توان ادعا کرد که چنین امر به معروفی تاثیر چندانی برجای نخواهد گذاشت و اگر مشکلی برای جامعه ایجاد نکند، مشکل چندانی را نیز حل نخواهد کرد.

۳-۴. شواهد تاریخی

تاریخ، گواه است که نهضت‌های زیادی برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر شکل گرفته است ولی همه آنان [در ظاهر] شکست خورده (ابن خلدون، ۱۳۵۲، ج ۱: ص ۱۶۰ و ابن جوزی، ۱۳۵۸ق، ج ۶: ص ۳۷۹) و بسیاری از آمران به معروف - حتی از حکومت‌هایی که به حکومت اسلامی مشهور بوده‌اند - مورد ضرب و شتم (علم‌الهدی العکبری، بی‌تا، ج ۳: ص ۵۷ و ۳۰۷) و شکنجه حاکمان یا فاعلین منکر قرار گرفته‌اند و تا حد بیهوشی کتک خورده‌اند و قوه قضائیه هم کاری برای نجات آنها نکرده است (همان) و نیز بسیاری از آمران به معروف به دست حاکمان به شهادت رسیده‌اند (ابن خلدون، ۱۳۵۲، ج ۱: ص ۱۵۹)، به زندان رفته (ر.ک: منظورالاجداد، ۱۳۷۹: ص ۲۸۵ - ۲۹۹) یا شلاق خورده‌اند (البغدادی، بی‌تا، ج ۷: ص ۲۳۱) و یا اذیت‌های بسیار دیده‌اند (علم‌الهدی العکبری، بی‌تا، ج ۳: ص ۳۱۷ و ابن سهل الرزاز الواسطی، ۱۴۰۶ق: ص ۱۱۴ - ۱۱۵) و همه این‌ها در زمان‌هایی اتفاق افتاده که فساد در اوج خود بوده و منکرات (لمبتون، ۱۳۸۰: ص ۴۸۹) به حدی زیاد بوده است که با آن همه سختی، کاری از

آمرین و ناهیان برنیامده و به نومییدی دچار شده‌اند تا جایی که برخی از خلفا در مقابله با اوج‌گیری فساد و منکر دست به اقدامات بسیار شدیدی علیه متخلفین و قلع و قمع و قتل‌عام آن‌ها زده‌اند (الشیبانی، ۱۴۱۵ق، ج ۹: ص ۱۹۹ و ابن جوزی، ۱۳۵۸ق، ج ۶: ص ۳۷۹).

۴-۴. تجربه جمهوری اسلامی

در جمهوری اسلامی ایران نیز با وجود تصریح قانون اساسی (اصل ۸) و متون دینی (سوره آل‌عمران: ۱۱۰ و حج: ۳۸-۴۱) بر اهمیت این دو وظیفه و تأکیدات امام خمینی (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۹: ص ۲۱۳) و مقام معظم رهبری در تصویب قوانین و تاسیس نهادهایی قانونی اجرایی، طرح‌های مختلفی برای اجرای این اصل به مجلس می‌رود، اما قبل از تصویب متوقف می‌شود (خیری، ۱۳۹۴: ص ۲۴۲). بعد از ۳۷ سال از پیروزی انقلاب، اولین قانون درباره امر به معروف و نهی از منکر پس از چالش‌های فراوان به تصویب می‌رسد، اما توسط رئیس‌جمهور تقاضای توقف در اجرای آن می‌شود (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۴/۹/۲). در آثار مولفان و سخنرانان به صراحت اقرار به موثر نبودن فعالیت‌های آمران به معروف (خیری، ۱۳۹۴: ص ۲۵۶) و مهاجوریت این دو فریضه (علم‌الهدی، ۱۳۹۶/۴/۲۸، خبرگزاری آفتاب‌نیوز) به میان می‌آید و این مطلب نیز گواه آن است که این دو فریضه بزرگ با تلاش‌های پراکنده مردمی راه به جایی نخواهد برد و اقدامات خودسرانه و غیرقابل کنترل و فاقد مدیریت سازمانی، حقیقت امر به معروف و نهی از منکر را آشکار نمی‌کند و با معنای حقیقی آن فاصله دارد.

نتیجه‌گیری

تجربه‌های اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر در طول تاریخ و مشکلات و موانعی که مانع اجرای این دو اصل شده یا آن را به بن‌بست و انحراف کشانده، گواه بر این است که نظریه همگانی کردن این دو وظیفه، می‌تواند به آفات و پیامدهای منفی مانند: «عوام‌زدگی»، «شیوع سطحی‌نگری در جامعه»، «بی‌نظمی و هرج و مرج»، «ظاهرگرایی» و «محدودشدن دایره تاثیر» بیانجامد که خود از مهم‌ترین مصادیق منکرند و آسیب آن‌ها اگر بیش‌تر از ترس که امر به معروف نباشد، کمتر نیز نخواهد بود و بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که این دو فریضه به صورت سازمانی و تشکیلاتی و با ساختاری مستقل از حکومت و توسط افراد

آموزش دیده و متخصص و باتجربه انجام شود که قدرت تشخیص مصادیق معروف و منکر و اولویت‌ها و روش‌های اجرایی را داشته باشند. همچنین تمکن مالی و آزادی فعالیت مستقل و به دور از نفوذ حکومت و گروه‌ها را داشته باشند - چنان‌که در روایات نیز بیان شده است - که ما از آن به امر به معروف سازمانی تعبیر می‌کنیم و در آثار دیگرمان مورد بحث قرار داده‌ایم. همچنین پیشنهاد می‌شود که فقها در مباحث فقهی، مبحث روش اجرای احکام و نتایج ناشی از اجرای احکام دینی را نیز بگنجانند و برای پیامدهای ناشی از اجرای نادرست احکام و انحراف آن‌ها در مرحله عمل چاره‌جوئی کنند و احکام شرعی را به گونه‌ای تبیین و استنباط کنند که آن آسیب‌ها و موانع کاهش یافته یا از بین برود.



کتابنامه

* قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد بن هبه الله (۱۳۷۸ق)، شرح نهج البلاغه، التحقيق: محمد ابو الفضل ابراهيم، المطبعة، ج ۱۹، منشور: مكتبة آيت الله العظمى المرعشى النجفى، قم: دار احياء الكتب العربيه.
۲. ابن اخوه، محمد بن احمد قريشى (۱۴۰۹ق)، معالم القرية فى احكام الحسبه، تحقيق: دكتور محمود شعبان، ج ۱، ج ۱، مصر: هيئة المصرية العامة للكتاب.
۳. ابن البراج، القاضى عبدالعزيز الطرابلسى (۱۴۰۶ق)، المهذب، تحقيق: به اشراف جعفر سبحانى، ج ۲، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامى.
۴. ابن بطه عكبرى، عبدالله (۱۴۰۹ق)، الابانه عن الشريعة الفرقة الناجية، ج ۲، رياض: دارالرأيه.
۵. ابن جوزى، عبدالرحمن بن على (۱۳۵۸ق)، المنتظم فى تاريخ الملوك و الامم، ج ۶ و ۱۸، ج ۱، بيروت: دارصادر.
۶. ابن خلدون المغربى، عبدالرحمن (۱۳۵۲)، المقدمة ابن خلدون، ترجمه: محمد پروين گنابادى، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر كتاب تهران.
۷. ابن سهل الرزاز الواسطى، اسلم (۱۴۰۶ق)، تاريخ واسط، محقق: كوركيس عواد، ج ۱، بيروت: عالم الكتب بيروت.
۸. ابن ميمون، ابوبكر (۱۴۰۷ق)، شرح الارشاد، التحقيق: احمد حجازى و احمد سقا، قاهره: دارالاحياء الكتب العربيه.
۹. ابو يعلى، محمد بن حسين (۱۴۰۳ق)، الاحكام السلطانية، تحقيق: محمد حامد فقهي، بيروت: دارالكتب العلميه.
۱۰. اشعري، على (۱۳۶۶ق)، مقالات الاسلاميين و اختلاف المصلين، تحقيق: محمد محى الدين عبدالمجيد، قاهره، دارالمعارف.

۱۱. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۰۶ق)، المائر و الآثار، تهران: دار الطباعة خاصه دولتی چاپ سنگی.
۱۲. البغدادی، الخطیب، احمد بن علی (بی تا)، تاریخ بغداد، ج ۲، بیروت: دارالکتب.
۱۳. البیابونی، احمد عزالدین (۱۴۰۵ق)، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، ج ۲، قاهره: دارالطباعة والترجمه.
۱۴. امام خمینی، سیدروح الله الموسوی (۱۳۶۱)، صحیفه نور، ج ۱، ۹، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی تهران: سازمان انتشار و آموزش انقلاب اسلامی.
۱۵. _____ (۱۳۷۹)، تحریر الوسیله، ج ۱، قم: نشر دارالعلم.
۱۶. پاکتچی، احمد (۱۳۸۰ش)، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، تهران: بنیاد دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۱۷. تفتازانی، مسعود (۱۴۰۹ق)، شرح المقاصد، تحقیق: عبدالرحمن عمیره، ج ۵، بیروت: نشر عالم الکتب.
۱۸. جابری زاده، عبدالامیر (۱۳۸۰)، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، تهران: مرکز دایرة المعارف.
۱۹. الجزایری، سیدعبدالله بن نعمه الله (۱۷۰ق)، التحفه السینه فی شرح نخبه المحسنیه (مخطوط)، نویسنده: فیض کاشانی، شارح: الجزایری، نسخه خطی میکروفیلم کتابخانه آستانه قدس به خط عبدالله نورالدین نعمه الله.
۲۰. الجوینی، عبدالملک (۱۳۶۹ق)، الارشاد، محقق: محمدیوسف موسی و علی عبدالعظیم عبدالمجید، قاهره: دارالسلام.
۲۱. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله الفلستانی، الرومی الحنفی (۱۴۱۳ق)، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، ج ۱، ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۲. حاج حسین، حسین (۱۳۵۸ق)، النظم الاسلامیه، القاهره: مکتبه النهضه المصریه.
۲۳. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح و تعلیق: عبدالرحیم الربانی الشیرازی، ج ۱، ۱، ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۴. حسینی، ابو الفتح (۱۳۸۶)، مفتاح الباب، همراه باب حادی عشر علامه حلی، کوشش: محمد مهدی محقق، ج ۲، مشهد: موسسه آستان قدس رضوی.

۲۵. الحلی، یحیی ابن سعید (۱۳۸۶ق)، نزه النواظر فی الجمع بین الاشیاء و النظائر، تحقیق: احمد الحسینی نورالدین الواعظی، النجف الاشرف: مطبعه الاداب.
۲۶. رشیدرضا، محمد (۱۴۱۲ق)، تفسیر المنار، ج ۴، قم: مؤسسه دارلکتاب.
۲۷. رضایی‌راد، عبدالحسین (۱۳۸۶)، امر به معروف در ترازی تاریخ، قم: بوستان کتاب.
۲۸. _____ (۱۳۸۷)، امر به معروف در ترازی عقل، قم: بوستان کتاب.
۲۹. _____، مبادی علم فقه، در حال چاپ، تهران: انتشارات مجد.
۳۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۴۰۴ق)، میزان الحکمه، ج ۶، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳۱. زمخشری، محمود (بی تا)، الکشاف، ج ۱، بیروت: دارالمعرفه.
۳۲. زیدان، جرجی (۱۳۳۳)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه: علی جواهر کلام، چ ۷، تهران: مؤسسه مطبوعاتی امیر کبیر.
۳۳. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۳)، حکمت و معیشت، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۳۴. سجستانی، امام احمد ابی داود (بی تا)، مسائل، تحقیق: محمد رشیدرضا، بیروت: دارالمعرفه.
۳۵. السیوری الحلی، مقداد بن عبدالله (۱۳۶۵)، کنز العرفان فی فقه القران، تهران: المکتبه المرتضویه.
۳۶. شریعتی، علی (۱۳۷۸)، شیعه (مجموعه آثار ۷)، چ ۷، تهران: نشر الهام.
۳۷. _____ (۱۳۹۰)، تنهایی علی، چ ۱۴، تهران: نشر دیدار.
۳۸. شهیدی، سیدجعفر (۱۳۷۴)، نهج البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگ.
۳۹. الشیبانی، عبدالواحد محمد بن محمد (۱۴۱۵ق)، الکامل فی التاریخ، تحقیق: ابوالقداء عبدالله القاضی، ج ۹، چ ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۰. شیرزی، عبدالرحمن بن نصر (۱۳۶۵ق)، نهایه الرتبه فی طلب الحسبه، قام علی نشره: السید الباز العرینی باشراف محمد مصطی زیاده، قاهره: مطبعه اللجنه للتألیف والترجمه والنشر.
۴۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی (۱۴۰۰ق)، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، تحقیق: حسن سعید مکتبه جامع چهلستون، چ ۱، قم: مطبعه خیام.

۴۲. علم الهدی العکبری، سیدمرتضی علی (۱۴۱۱ق)، الذخیره، تحقیق: احمد حسینی، ج ۳، قم: جامعه المدرسین حوزة علمیه.
۴۳. _____ (بی تا)، مشذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۴. الغزالی، ابوحامد محمد بن محمد (۱۳۵۲ق)، احیاء علوم الدین، ج ۲، مصر: مطبعه العثمانيه المصریه.
۴۵. _____ (بی تا)، کیمیای سعادت، مهاباد: انتشارات سیدیان.
۴۶. فیض الاسلام، علینقی (۱۳۸۳ق)، ترجمه و شرح نهج البلاغه امام علی ۷، بی جا.
۴۷. قاضی، عبدالجبار (۱۳۸۴ق)، شرح اصول خمس، تحقیق: عبدالکریم عثمان، قاهره: مکتبه وهبه.
۴۸. القاسمی، ظافر (۱۴۱۱ق)، نظام الحكم فی الشریعه الاسلامیه، بیروت: دارالنفاس.
۴۹. قطب السدین راوندی، ابی الحسین سعید بن هبة الله (۱۴۱۸ق)، قصص الانبیاء، تحقیق: میرزاغلامرضا عارفیان، ج ۲، قم: مؤسسه الهادی.
۵۰. قلقشندی، ابی العباس احمد ابن علی (بی تا)، صبح الاعشی فی صناعه الانشاء، ج ۳ و ۹، قاهره: دار الکتب المصریه و وزاره الثقافیه القومیه.
۵۱. القمی، عباس (بی تا)، سفینه البحار و مدینه الحكم و الآثار، بیروت: دار تعارف للمطبوعات.
۵۲. لمبتون، آن. کی. اس (۱۳۸۰)، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه و تحقیق: سیدعباس صالحی و محمد مهدی فقهی، تهران: نشر عروج.
۵۳. ماوردی، ابی الحسن علی بن محمد حبیب و قاضی ابویعلی، محمد بن حسین الفراء (۱۴۰۶ق)، احکام السلطانیه و الولايات الدینیّه، ج ۲، قاهره: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، ج ۱۰۰، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۵۵. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۶۵ق)، مروج الذهب، مترجم: ابوالقاسم پاینده، ج ۴، چ ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵۶. منتظری، حسینعلی (بی تا)، دراسات فی ولایه الفقیه وفقه الدوله الاسلامیه، ج ۱، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
۵۷. مطهری، مرتضی (۱۳۴۸)، حماسه حسینی، ج ۲، تهران: انتشارات صدرا.
۵۸. _____ (بی تا)، ده گفتار، قم: صدرا.

۵۹. شیخ مفید، النعمان محمد بن محمد (۱۴۰۱ق)، المقنعه، تحقیق: جماعة المدرسين، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۶۰. منظورالاجداد، محمدحسین (۱۳۷۹)، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، تهران: نشر پژوهش.
۶۱. الناصری، ابوالعباس احمد بن خالد (۱۹۹۷م)، الاستقصاء لأخبار الدول المغرب الاقصى، محقق: جعفر الناصری و محمد الناصری، ج ۳، ج ۱، دارالکتاب دار البیضاء.
۶۲. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، محقق: عباس القوچانی، ج ۲۱، ج ۷، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۶۳. النوری الطبرسی، میرزا (۱۴۰۹ق)، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، تحقیق: مؤسسه آل‌البیته لاحیاء التراث، ج ۲، الطبعة الثانية. قم: مؤسسه آل‌البیته ۷
۶۴. نویری، شهاب‌الدین احمد بن عبد الوهاب (بی‌تا)، نهایه الارب فی فنون الادب، ترجمه: دکتر محمود مهدوی دامغانی، ج ۶، چ ۱، قاهره: دارالکتب المصریه.
۶۵. همایون، محمدهادی (۱۳۷۴)، تبلیغات یک‌واژه در دو حوزه، بی‌جا، تهران: مرکز نشر فرهنگی سازمان تبلیغات.
۶۶. باهر، محمد (۱۳۷۰)، «امر به معروف در جهان عرب»، مجله: ترجمان سیاسی، ش ۲۵.
۶۷. باقی‌زاده، محمدجواد و عبدالله امیدی فر (۱۳۹۳)، «ضرورت حفظ نظام و منع از اختلال آن در فقه امامیه» فصلنامه شیعه‌شناسی، س ۱۲، ش ۳۷.
۶۸. خیری، حسن (۱۳۹۴)، «مقاله بررسی جامعه‌شناسی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر»، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، ش ۲.
۶۹. میرعلی، محمد (۱۳۹۲)، «مشروعیت قیام علیه حاکم جانی در فقه سیاسی شیعه»، مجله حکومت اسلامی، ش ۷۰.
۷۰. رضایی‌راد، عبدالحسین (بی‌تا)، ضرورت سازمان در اجرای شریعت، در حال بررسی برای چاپ.
۷۱. تقی‌پور، علی‌رضا (۱۳۹۱)، امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنائی جایگاه (موضوع اصل هشتم قانون اساسی ایران)، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق دانشگاه تهران.

۷۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۰)، «بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم تنفیذ حکم رئیس‌جمهوری وقت»، ۱۱ مرداد ۱۳۸۰ ش <http://farsi.khamenei.ir/speech.content?id=307>

۷۳. خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۴)، www.irna.ir/fa/news/

۷۴. علم الهدی، سیداحمد (۱۳۹۶)، خبرگزاری آفتاب نیوز aftabnews.ir

۷۵. نوبخت، محمدباقر (۱۳۹۶)، <http://www.mashregnews.ir/news>

۷۶. سایت خبری دیگربان (۲۰۱۴م)، <http://www.digarban.com>

77. shafaat Ahmad (2004), *commanding good and forbidding evil* /HTTP://saif-tripod.com/explore/dawah/.htm /13/2/2004.

78. Ulrike, freitage (2005), *Comanding right and Forbidding wrong in islamhc thought/department of history SOAS History; .as.* [http://www ur/welcome.htm](http://www.ur/welcome.htm) 16/1/2005.

